



## Clarification of the Orientalists' Viewpoint "on the Discontinuity of the Verses of the Quran" and Its Criticism\*

Muhammad Javad Eskandarloo<sup>1</sup>

### Abstract

The issue of coherence and thematic unity between the verses of each surah has always been one of the most important and challenging issues. Orientalists such as Goldziher, Richard Bell and Régis Blachère have expressed their opinions in this field more than other orientalists and have raised the suspicion of anxiety, instability, irregularity and boring verses of the Quran. In the following article, after explaining the claims of the Orientalists in the mentioned issue, based on the criteria of the connection of the verses which are defined and presented in the valuable commentary of al-Mizan, using the descriptive-analytical method, the answer to the said doubt has been given. The most important criteria for the coherence of the verses of each surah from the perspective of Allama Tabatabai are: using the context of the verses, proving the sovereignty of a single purpose in the verses of each surah, the existence of composition and type of sentences; Summarizing the contents at the end of a few verses, the confrontation between the beginning and the end of the surah and the relationship between the beginning and the end of the verse through the expression of a divine tradition. Based on the opinions of Allamah Tabatabai in Tafsir al-Mizan, the summation of ten indicators or criteria for the connection of verses is considered to be a novel and innovative aspect of this article.

**Keywords:** Discontinuity of Verses, Coherence of Verses, Thematic Unity, Single Purpose and Intent of Surah, Interpretation of al-Mizan, Orientalists.

---

\*. **Date of receiving:** 21 January 2022 ; **Date of correction:** 22 May 2022; **Date of approval:** 28 May 2022.

1. Full Professor and Faculty Member, Al-Mustafa International University: mj\_eskandarloo@miu.ac.ir.



## تبیین دیدگاه مستشرقان «درباره گسستگی آیات قرآن» و نقد آن\*

محمد جواد اسکندارلو<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله انسجام و وحدت موضوعی میان آیات هر سوره همواره از مهم‌ترین مسائل چالش‌برانگیز بوده و هست. مستشرقانی از قبیل گلدزیهر، ریچارد بل و رژی بلاشر، بیش از دیگر خاورشناسان در این زمینه ابراز نظر کرده و شبهه اضطراب، بی‌ثباتی، بی‌نظمی و ملال‌آور بودن آیات قرآن را مطرح کرده‌اند. در مقاله پیش‌رو، پس از تبیین مدعیات مستشرقان در مسئله یادشده، بر اساس معیارهای به‌هم‌پیوستگی آیات که در جای‌جای تفسیر ارزشمند المیزان، تعریف و ارائه شده‌اند با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی پاسخ شبهه مذکور داده شده است. مهم‌ترین معیارهای انسجام آیات هر سوره از منظر علامه طباطبائی عبارتند از: استفاده از سیاق آیات، اثبات حاکمیت هدفی یگانه در آیات هر سوره، وجود ترکیب و نوع جمله‌بندی‌ها؛ تلخیص مطالب در پایان فرازی از آیات، مقابله میان آغاز و پایان سوره و مناسبت میان صدر و ذیل آیه از طریق بیان یک سنت الهی. تجمیع ده شاخصه یا معیار به‌هم‌پیوستگی آیات، بر اساس نظرات علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر المیزان، جنبه بدیع و نوآوری مقاله حاضر قلمداد می‌گردد.

واژگان کلیدی: گسستگی آیات، انسجام آیات، وحدت موضوعی، هدف و غرض واحد سوره، تفسیر المیزان، مستشرقان.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷.

۱. استاد تمام و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية؛ (mj\_ eskandarlo@miu.ac.ir).



## مقدمه

موضوع تناسب و پیوستگی میان آیات هر سوره با یکدیگر، از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی به‌شمار می‌رود. هر خواننده اندیشمندی از طریق قرائت آیات یک سوره به نظم و انسجام شگفت‌انگیز بین آن‌ها پی می‌برد. نکته مهم اثبات ارگانیزم و هماهنگی کلی آیات یک سوره است؛ یعنی هر سوره هدف واحد و مشخصی را دنبال می‌کند و آیات آن در نظامی منطقی و ارگانیک به غرض سوره مرتبط هستند و امروزه به نام «وحدت موضوعی» در هر سوره خوانده می‌شود؛ همین وحدت موضوعی است که وحدت سیاق سوره را تشکیل می‌دهد و مسئله اعجاز در همین نکته نهفته است که پراکندگی در نزول، عدم تناسب را اقتضا می‌کند با آنکه تناسب و وحدت سیاق در هر سوره به خوبی مشهود است و برخلاف مقتضای طبع پراکندگی در نزول است.

مفسران متأخر به این حقیقت پی برده‌اند و در پی آن هستند تا به اهداف ویژه هر سوره دست یابند و تا حدودی نیز پیشرفت کرده‌اند؛ از جمله علامه طباطبایی و سیدقطب که در مقدمه تفسیر هر سوره طبق برداشت خود، هدف آن را به اختصار توضیح می‌دهد. یکی از شاگردان وی به نام «عبدالله شحاته» کتابی به نام «اهداف کل سوره و مقاصدها» تألیف کرده و در تلاش است که اهداف هر سوره را مشخص کند تا اندازه‌ای هم موفق شده است (ر.ک: معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۴۰۶). در هر صورت، پراکندگی ظاهری آیات یک سوره، در قرن اخیر دستاویزی برای بهانه‌جویی‌های مستشرقان فراهم آورده است، به گونه‌ای که در جای‌جای کتب خود بر بی‌نظمی و آشفتگی قرآن طعن زده‌اند (ر.ک: خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ۱۳۸۲: ۲).

در مقاله پیش‌روی، ابتدا دیدگاه خاورشناسانی از قبیل گلدزیهر (گلتیسهر)، رژی بلاشر و ریچارد بل درباره وجود گسستگی و بی‌نظمی میان آیات قرآن، مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد. سپس بر اساس شاخصه‌ها و معیارهای علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر المیزان، نظم و انسجام و پیوستگی معنایی میان آیات قرآن به اثبات می‌رسد. چرا که مرحوم علامه، بیشتر از هر مفسر دیگری، در جای‌جای تفسیر گرانسنگ المیزان، برای اثبات پیوستگی و ارتباط میان آیات، از وحدت سیاق، و هدف و غرض واحد حاکم بر آیات هر سوره، بهره‌آفر برده است.

## پیشینه تحقیق

برای تبیین چگونگی انسجام متنی سوره‌های قرآن نظریات متعددی ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نظریه انسجام خطی، نظریه انسجام مبتنی بر بافت زبانی، نظریه نظم متقارن سوره‌ها، نظریه ساختار متقارن، نظریه انسجام متنی نقش‌گرا و نظریه انسجام تنشی سوره‌های قرآن. محمد خامه‌گر در



پژوهشی ارزشمند، به طرح و توضیح برخی از آن‌ها پرداخته است (ر.ک: خامه‌گر، «نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن»، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۲۱).

آقای حسین عبدالرئوف، استاد مطالعات قرآنی دانشگاه لیدز، در سال ۲۰۰۵ میلادی در پاسخ به ادعاهای ریچارد بل درباره گسسته بودن ارتباط آیات درون سوره‌ها، نظریه «بسطمتن» را مطرح ساخت تا اثبات کند برخلاف ادعای ریچارد بل، آیات قرآن با یکدیگر ارتباط معنایی و دستوری دارند (ر.ک: عبدالرئوف، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی»، ۱۳۹۰: ۸۷).

القطان می‌نویسد: «به اجماع اندیشمندان مسلمان، آیات قرآن در چارچوب سور، متضمن وحدت تناسب‌اند و این یکی از وجوه اعجاز قرآن است. علم مناسبت به کشف ارتباط میان بخش‌هایی از قرآن می‌پردازد که در ظاهر گسسته و بی ارتباط می‌نمایند.» (القطان، مباحث علوم القرآن، ۱۴۲۱ق).

کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تألیف محمد خامه‌گر، یکی دیگر از آثار سودمند در این زمینه است. این کتاب مشتمل بر پنج گفتار است: ۱. رویکرد جامع گرایانه به معانی سوره‌ها؛ ۲. ساختار هندسی سوره‌ها در بوته نقد و نظریه؛ ۳. روش‌های کشف اهداف و مقاصد سوره‌ها؛ ۴. چالش‌های کشف اهداف سوره‌ها؛ ۵. گزارشی از سبک‌های نمایشی ساختار سوره‌ها. کتاب «قرآن ناطق»، تألیف بی‌آزار شیرازی و کتاب «تفسیر کاشف»، اثر نامبرده و محمدباقر حجتی، و کتاب «الوحدة الموضوعية في القرآن الكريم»، تألیف محمد محمود حجازی، از دیگر آثار گرانبگی در این زمینه قلمداد می‌شوند. شایان ذکر است که در هیچ یک از آثار یادشده به شبهه مستشرقان بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی پرداخته‌اند.

## دیدگاه برخی از مستشرقان معروف درباره گسستگی میان آیات قرآن

یک. دیدگاه ریچارد بل (خاورشناس اسکاتلندی (Richard Bell):

ریچارد بل در کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن» بر این باور است که متن قرآن منقطع و گسسته است. دلیل او بر این ادعا آن است که مسلمانان صدر اسلام آیات قرآن را روی تکه‌های کاغذ نگاشته و به مرور زمان، آیاتی دیگر را به آن‌ها الصاق کرده‌اند و زمانی که تصمیم گرفتند قرآن را به صورت کتابی منسجم و یکپارچه در آورند، تکه کاغذها را بدون وقفه بر خواننده و آنگاه نسخه برداری کرده و بدون هیچ نظمی آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده‌اند، از این رو هیچ ترتیب منطقی میان معیارشناسی تناسب آیات معرفی می‌کند. وی به تکه تکه بودن قرآن اشاره کرده، برخی آیات آن را از نظر دستور زبان به چالش کشانده و عدم ارتباط دستوری میان برخی آیات را نمایان کرده است (بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۳۸۲: ۳۴).



## نقد

«برای آن که متنی بتواند از نظر معنایی بسط پیدا کند، ارتباطی مفهومی، تلمیح متنی و ارجاع بینامتنی باید دست در دست هم دهند تا متن کاملاً منسجمی شکل گیرد» (عبدالرئوف، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی»، ۱۳۹۰: ۸۷).

بر اساس علم مناسبت، ارتباط آیات با یکدیگر گاه به صورت عام و خاص تحقق می‌یابد، گاه پیوند عقلی، حسی و خیالی است و گاه، نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مانند سبب و مسبب، علت و معلول یا حتی دو مخالف و ضدی است که نوعی پیوستگی موضوعی را نشان می‌دهند» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۲/۲۸۹).

در هر صورت، گفتمان قرآنی بر اساس شبکه زبانی بسط متن تنظیم شده است و ربطی به معیارهای طول آیه، محل وحی، قافیه و نیز تکرار آیات ندارد (ر.ک: عبدالرئوف، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی»، ۱۳۹۰: ۸۷).

## دو دیدگاه گلتسیهر، خاورشناس سرشناس مجارستانی: GOLDZIIHER

این خاورشناس یهودی در آغازین صفحات کتاب مشهور خود «المذاهب الاسلامیه فی تفسیر القرآن» می‌نویسد: «هیچ کتاب مقدس دینی در جهان نیست که پیروان آن دین، آن را نص و حیانی نازل شده کهن و اصلی بدانند و این همه اضطراب و بی ثباتی که «قرآن» دارد، در آن وجود داشته باشد.» (گلتسیهر، المذاهب الاسلامیه فی تفسیر القرآن، ۱۹۵۵ م: ۲).

وی با تأکید بر پراکندگی آیات سوره‌های قرآن، آن را یکی از معایب آن را بر شمرده است و به این ترتیب نه تنها و حیانی بودن قرآن را زیر سؤال برده؛ بلکه آن را از حدّ یک کتاب معمولی بشری نیز پایین‌تر آورده است (ر.ک: گلتسیهر، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ۱۳۸۳: ۳۰).

## نقد

قرآن کریم یک کتاب معمولی تدوین شده توسط یک انسان نویسنده نیست تا دارای یک مقدمه و چند فصل و بخش و خاتمه باشد؛ بلکه مجموعه‌ای گران بها است که هر چند آیه‌اش در زمانی خاصی و مناسبت و شأن نزول خاصی نازل و به دستور پیامبر اعظم ﷺ با نظم و ویژه‌ای کنار هم چیده شده است. بالطبع، مستشرقی همچون گلتسیهر، انتظار نظمی از قبیل نظم دیگر کتاب‌های بشری را از آن دارد، آنگاه که آن نظم مورد انتظار خودش را در قرآن نمی‌یابد، داوری به پراکندگی موضوعی آیات می‌کند (ر.ک: زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

### سه. دیدگاه رژی بلاشر

رژی بلاشر، خاورشناس فرانسوی (REGIS BELACHERE)، در کتاب «در آستانه قرآن» می نویسد: «خواننده از برخورد با این «نثر خشک» و بی جلا و با آن اصطلاحات مرسوم «دانشمندان فرانسوی» سخت دچار حیرت می گردد. و بعد بر اثر روش «درهم وحی ای» که در آن شورهای محرک اخلاقی و مقررات قضائی و داستان های دینی وجود دارد، ولی در آن ها فکر در تلاش «یافتن رابطه ای» است که اصلاً وجود ندارد، به کلی مسیر اصلی خود را از دست می دهد و سرانجام اگر خواننده به قرائت خود ادامه دهد، از عباراتی که «بارها و بارها تکرار» شده از داستان های کتاب مقدس و یا افسانه هایی که باز «از سر گرفته ساده» و نمونه های آن را در اسفار خمسه و انجیل دیده «خسته و فرسوده» می گردد. روشن ترین نتیجه ای که از این تجربه حاصل می گردد، عبارت از این خواهد بود که خواننده ای که در آغاز با «حسن نیت» به خواندن قرآن پرداخته، نه عقیده ای صحیح درباره اسلام خواهد داشت و نه مفهومی رضایت بخش از وحی محمد [ﷺ]» (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۶۵: ۳۰۱).

#### بررسی

یکم. بهترین شاخصه های طراوت و جذابیت متن در قرآن کریم مشاهده می شود از قبیل تنوع مطالب، به کارگیری فنون و قواعد و صناعات ادبی، و آهنگین بودن جملات و ترکیب ها. دوم. مترجمان غربی اعم از فرانسویان و دیگران هنگام بازگرداندن معانی واژه های عربی به دلیل عدم اطلاع کامل از مفاهیم و بار علمی آن واژگان در فرهنگ اسلامی، اقدام به معادل های نارسای زبان فرانسه و دیگر زبان های غربی کرده اند و همین ناشیگری آن مترجمان، برای خوانندگان غربی قرآن، ایجاد ابهام کرده است.

سوم. دو عامل موجب لزوم تکرار قصه ها در قرآن است:

۱. اصل تدریجی بودن نزول قرآن؛

۲. قابلیت وقایع نگاری برای استنتاج های گوناگون و درس های متعدد.

چهارم. این گونه خاورشناسان متوجه نظام گفتاری قرآن نشده اند و چنین پنداشته اند که قرآن نظام نوشتاری است. لازم بود بین نظام گفتاری و نظام نوشتاری تفکیک قائل شوند تا اشکال گسستگی میان آیات هر سوره را مطرح نکنند. از مهمترین شاخصه های نظام گفتاری می توان به این موارد اشاره کرد: کوتاهی سخن؛ ترکیب صوری گونه های مختلف بیان؛ مزج موضوعی؛ تکرارهای مشابه و متفاوت (ر.ک: زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۳۳۰-۳۱۰).

## نقد دیدگاه مستشرقان، بر اساس معیارهای پیوستگی آیات در تفسیر المیزان

شایان ذکر است که هر دسته از آیات قرآن مربوط به هم دارای یک نحوه جامعیت و انسجام زیباست که می‌توانند جذابیت و هدایت‌بخشی داشته باشند و پیوستگی آیات درون هر دسته به سادگی و اندک دقتی قابل توجه است. معمولاً بیشتر مفسران همین روش تفسیر دسته‌ای آیات را در آثار خویش شرح داده‌اند. و اینک مهمترین معیارهای و شاخصه‌های ارتباط و پیوستگی میان آیات هر سوره که از تفسیر ارزشمند المیزان به‌دست آمده است در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱. داشتن غرض و هدفی واحد

حاکمیت هدفی واحد در آیاتی از هر سوره، خواننده را به کشف ارتباط و پیوستگی معنایی میان آن آیات می‌رساند. به عنوان نمونه، درباره آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه می‌نویسد: این آیات حدود و لوازم یک حکم را بیان می‌کند مثلاً «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» اصل حکم را بیان کرده و «وَلَا تَعْتَدُوا» نظم و محدودیت آن را متعرض شده و جمله «وَأَقْتُلُوهُمْ» جهت تشدید و سختگیری و «وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» محدودیت مکانی و «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» محدودیت زمانی آن را توضیح می‌دهد و آیه «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ...» حکم قصاص در کارزار و کشتار و همانندی در رفتار و کردار را وضع کرده و آیه اخیر دستور تجهیزات و مقدمات مالی جنگ را می‌دهد. بنابراین همه بر محور نبرد و قتال با مشرکان مکه دور زده و همین هدف واحد را دنبال می‌کنند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۱: ۶۰/۱).

نمونه دوم: در مورد ارتباط میان آیات ۲۴۴ تا ۲۵۲ سوره بقره علامه رحمته‌الله‌علیه می‌نویسد: از پیوستگی روشن این آیات یعنی از ارتباط ظاهر که میان وجوب جنگ و ترغیب در قرض و حاصل داستان طالوت و داود و جالوت، موجود است به‌دست می‌آید که این آیات یک دفعه نازل شده و منظور بیان شؤون حیاتی جهاد و روحی که موجب پیشرفت یک ملت در زندگی دنیوی و سعادت حقیقی اوست است. از این رو سزاوار است که مومنان به روش گذشتگان صالح رفتار کنند و بدانند که اگر حقیقتاً دارای ایمان باشند سربلند خواهند بود (همان: ۲۸۳/۲).

نمونه سوم: از این که همه آیات ۲۹۱ تا ۲۷۴ سوره بقره مربوط به انفاق است و مضامین و منظورهای آن‌ها با هم ارتباط دارند به‌دست می‌آید که با هم نازل شده‌اند. در آیات یاد شده خداوند مردم را دعوت به انفاق کرده و بعد انگیزه الهی انفاق و کیفیت انفاق و سپس اجر بزرگ آن را بیان می‌کند (همان: ۳۸۲/۲).

نمونه چهارم: مانند آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ بقره که همگی درباره منع از ربا و قرض ربوی و پیامدهای سوء آن است (همان: ۴۰۸/۲).

نمونه پنجم: مانند آیات ۱۴۲ تا ۱۵۱ بقره که همگی درباره قبله قرار دادن کعبه است. با دقت و تدبر در مضمون این آیات روشن می‌شود که از نظر مضمون کاملاً مرتب و منظم بوده و یکی حقیقت را دنبال می‌کنند (همان: ۳۱۷/۱).



## ۲. وجود ترکیب و نوع جمله بندی‌ها

مانند ارتباط کاملی که از نظر ترکیب و جمله بندی بین آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره وجود دارد که گواه بر نزول با هم آیات سه‌گانه مذکور است. در اینجا علامه به کاربرد واژگانی همچون «ایاماً معدودات»، «الصیام» و «شهر رمضان» به لحاظ نحوی و ادبی استناد کرده است. علاوه بر این که خداوند در اینجا برای تثبیت حکم روزه در قلوب مسلمانان، شیوه تنظیر را به کار برده است: «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره/۱۸۳؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۱: ۴/۲).

## ۳. اثبات پیوستگی میان آیات از طریق کاربرد واو عاطف و یا فاء تفریع

مثلاً آیه: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد/۴۳)؛ این آیه، آخرین آیه سوره رعد است و با کلمه «واو»، سخن در آن را عطف بر کلامی می‌کند که در آغاز سوره آورده و فرموده بود: «وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقَّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (رعد/۱)؛ و این سومین باری است که بر منکران حقیقت کتاب الله، حمله کرده، استشهاد می‌کند به اینکه خداوند و آن‌ها که اطلاع به هم رساندند بر رسالت خاتم النبیین گواه‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۱: ۳۸۳/۱۱).

مثال برای فاء تفریع: مانند ارتباط آیه ۱۱۴ سوره انعام با آیات قبلش؛ علامه در این زمینه می‌نویسد: این آیات با این که بشهادت «فاء تفریع» در «افغیرالله» با آیات پیشین اتصال دارند در میان خودشان نیز که هشت آیه هستند، پیوند و پیوستگی برقرار است (همان: ۳۲۷/۷).

## ۴. استنباط برداشت کلی درباره یک سنت دائمی پروردگار، از طریق وجود مناسبت میان صدر و ذیل آیه

به عنوان مثال، در مورد آیه ۲۰۷ سوره بقره، علامه رحمته می‌فرماید: از اینجا مناسبت ابتدا و انتهای آیه یعنی جمله «وَاللَّهُ زُؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» با جمله قبلی روشن می‌شود؛ زیرا وجود چنین انسانی در بین مردم از رأفت و مهربانی خدا نسبت به بندگانش است، چه اگر چنین مردان پاک و خیراندیشی در برابر آن عناصر ناپاک منافق نبودند ارکان دین از هم می‌پاشید و از بنیان آن اثری باقی نمی‌ماند، ولی پروردگار مهربان همیشه آن باطل را به واسطه این حق از بین می‌برد و افساد و خرابکاری‌های دشمنانش را با اصطلاحات دوستانش جبران می‌کند.

آنگاه علامه رحمته برای اثبات این سنت کلی الهی به آیات ۲۵۱ بقره، ۴۰ حج، ۸۹ انعام و آیه ۱۱۱ سوره توبه استناد می‌کند. (همان: ۹۸/۲-۹۹)





## ۵. داشتن اسلوبی واحد و اغراضی مرتبط با هم

علامه رحمته در باره سوره آل عمران می فرماید: به نظر می رسد که این سوره یکجا نازل شده باشد؛ چراکه تمامی آیات آن که دو یست آیه است با یک اسلوب تنظیم یافته و مطالب مطرح شده در آن ها با یکدیگر تناسب داشته و اغراض آن ها با هم پیوند کامل دارند (همان: ۵/۲) و درباره سوره مائده می نویسد: تدبر در مطالب عموم آیاتی که در سوره مائده آمده، می رساند که غرض کلی در این سوره این است که مردم را به وفای به عهد و نگهداشتن انواع و اقسام پیمان های درست دعوت می کند ... مضامین فوق با زمان نزول سوره مناسب است؛ زیرا اهل نقل در این باره اختلافی ندارند که «مائده» آخرین سوره مفصلی است که در اواخر دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است (همان: ۱۵۷/۲).

## ۶. اثبات پیوستگی میان چند آیه با آیات قبلشان از طریق تلخیص مطالب

به عنوان نمونه در مورد آیات ۹۴ تا ۱۰۲ سوره اعراف چنین اظهار نظر شده است. این آیات مربوط و متصل به آیات قبل هستند، چون مطالبی را که در آن آیات درباره امت های گذشته بود خلاصه کرده و درباره همه آن ها می فرماید: این امت ها از این جهت منقرض شدند که بیشتر افرادشان فاسق و از زی عبودیت بیرون بودند (همان: ۱۹۵/۸).

درباره آیات ۱۸۰ تا ۱۸۶ سوره اعراف می نویسد:

این آیات متصل به آیات قبلی و به منزله تجدید بیان آن چیزی است که کلام در آیات قبلی به آن منتهی گردید. توضیح اینکه هدایت دائر مدار دعوت خدا به سوی اسماء حسنا و ضلالت دائر مدار الحاد در آن اسماء است و مردم از دین دار و بی دین و عالم و جاهل بر حسب فطرت و سریره باطنیشان اختلافی ندارند در اینکه این عالم مشهود متکی بر حقیقتی است که قوام اجزاء آن و نظام موجود در آن بر آن حقیقت استوار است و آن حقیقت خدای سبحان است که هر موجودی از او ابتدا گرفته و به او بازگشت می کند و اوست که جمال و کمال مشهود در عالم را بر اجزای عالم افاضه می نماید و این جمال، جمال او و از ناحیه اوست (همان: ۳۴۱/۸).

## ۷. پی بردن به ارتباط و پیوستگی آیات از طریق ربط بین لفظ و معنا و تعقیب حقیقی واحد

علامه درباره آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره می فرماید: این پنج آیه از نظر لفظ و معنا و از هر جهت به هم مربوط هستند و اول و آخر آن ها یکی حقیقت را دنبال می کند و این حکایت می کند که همه یک مرتبه نازل شده اند و به طوری که از سیاق آن ها بر می آید کسی قبل از فرمان جهاد و جنگ با دشمنان اسلام نازل شده اند (همان: ۳۴۳/۱).

## ۸. اثبات پیوستگی آیات یک سوره از طریق مقابله میان آغاز و پایان سوره

مثلاً درباره آخرین آیه سوره ابراهیم، علامه می‌فرماید: آخرین آیه این سوره که در مقابل اولین آیه آن: «كُتِبَ أَنْزَلْنَاكَ إِلَيْكَ...» فرموده است: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَلْعَلُّهُمْ أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ».

در ابتدا فرمود: «کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از ظلمت‌ها بسی نور، به سوی راه خدای عزیز و حمید بیرون آوری» که مدلول آن مأمور شدن پیامبر ﷺ به دعوت و تبلیغ بسوی راه خداست، به‌عنوان اینکه خدا پروردگار عزیز و حمید ایشان است. و بدین وسیله مردم را از ظلمت‌ها به‌سوی نور بیرون آورد، حال اگر پذیرفتند و ایمان آوردند که از ظلمت‌های کفر به‌سوی ایمان بیرون شده‌اند و اگر نپذیرفتند اندازیشان کند و بر توحید حقتعالی واقفشان سازد.

در پایان سوره هم می‌فرماید: «این برای مردم بلاغی است تا به آن بیم یابند و بدانند که او خدائی یگانه است و تا صاحبان خرد اندرز گیرند.» بنابراین صدر و ذیل این سوره، از طریق امر به انذار و تبلیغ و اتمام حجت بر مردم، به هم پیوند خورده است (همان: ۹۰/۱۲).

## ۹. تناسب معنوی میان آیات یک سوره و آیات همه سوره‌های دیگر از طریق وحدت غرض

علامه ﷺ درباره سوره هود می‌نویسد: این سوره به‌طوری که از اول و آخر و سیاق آیات آن برمی‌آید، می‌خواهد غرضی که آیات متفرق و پراکنده قرآن دارند بیان کند که آیات قرآنی با مضامین فراوانی که دارند همگی بر یک حقیقت استوار است که آن اصل است و حقایق دیگر، فروع آن قلمداد می‌شوند. مضامین قرآنی که بر پایه این حقیقت گذاشته شده و در قرآن پراکنده است عبارت است از:

۱- معارف مختلف دین اعم از اصول معارف الهی، اخلاق کریمه انسانی، احکام شرعی‌ای که به کلیات عبادات، معاملات، سیاسات و امور مربوط به سرپرستی جامعه بازگشت دارد.

۲- توصیف عامه مخلوقات: از عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمان و زمین و ملائکه و جن و شیاطین و نبات و حیوان و انسان.

۳- وصف آغاز خلقت و بازگشت آن به فناء و رجوع به خدا؛ یعنی روز قیامت با مقدماتی که دارد؛ یعنی عالم قبر و برزخ و سپس قیام در پیشگاه رب العالمین و حشر و جمع و سؤال و وزن و شهادت شاهدان و سرانجام حکم نهائی و فیصله و آن گاه بهشت و جهنم با درجات و درکاتی که دارند.

۴- توصیف رابطه‌ای که بین آفرینش انسان و عمل او و نیز رابطه‌ای که بین عمل آدمی و تبعات آن یعنی سعادت و شقاوت و نعمت و نعمت و درجه و درکه وجود دارد و همچنین متعلقات اعمال انسان از قبیل وعد و وعید و بیم نویدی که با موعظه و مجادله حسنه و حکمت انجام می‌گیرد. آیات قرآن در



حالی که این معارف الهی و حقایق حقه را به تفصیل در بردارد متکی به حقیقت واحدی است که اصل همه این هاست و تمام این ها فروع آن هستند و این حقیقت اساسی است که بنیان دین را بر آن استوار کرده اند که عبارت است از اعتقاد به یگانگی خدا آن گونه که توحید اسلام می گوید؛ یعنی شخص معتقد شود که خدای متعال پروردگار همه موجودات است و هیچ پروردگاری جز او وجود ندارد. اصل توحید با اجمالی که دارد وقتی تحلیل شود بازگشت تمام معارف و قوانین قرآنی به آن است و با ترکیب با معارف و قوانین نامبرده به آن ها بازگشت دارد. سوره هود در چهار آیه اول خود این مطلب را به طور اجمال بیان می کند و سپس در آیات بعدی بیان تفصیلی آن را آغاز می کند (همان: ۱۳۴/۱۰-۱۳۵).

#### ۱۰. اثبات ربط و پیوستگی، با استفاده از سیاق آیات

از سیاق آیات اول تا ششم سوره انفال بر می آید که این سوره در مدینه و پس از واقعه جنگ بدر نازل شده؛ چراکه پاره ای از اخبار این جنگ را نقل می کند و مسائل متفرقه ای درباره جهاد و غنیمت جنگی و انفال و سرانجام، اموری را مربوط به هجرت ذکر می کند (همان: ۵/۵)؛ و غرض سوره لقمان به گونه ای که آغاز و انجام آن و نیز سیاق تمامی آیات آن اشاره می کند، دعوت به توحید و ایمان به معاد و عمل به کلیات شرایع دین است. پس این سوره نازل شد تا اصول عقاید و کلیات شرایع حقه را بیان کرده، در برابر احادیث سرگرم کننده آنان مقداری از داستان لقمان و مواعظش را ایراد کرده است. این سوره به گواهی سیاقی که آیات آن دارد در مکه نازل شده است. و مانند سوره سبأ که پیرامون اصول سه گانه اعتقادات (توحید و نبوت و قیامت) بحث می کند، بعد از بیان خود آن ها کیفر کسانی را که منکر آن ها هستند و درباره آن ها القای شبهه می کنند، بیان کرد.

نیز سوره انعام، غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است، همان توحید است و اگر در سیاق آیات آن دقت شود معلوم می شود که سیاق همه واحد و همه به هم متصل و مربوط اند. این دلیل بر این است که این سوره یک مرتبه نازل شده و نیز به دست می آید که این سوره در مکه نازل شده، چون در همه و یا بیشتر آیات آن، روی سخن با مشرکان است (همان: ۵/۷).

همچنین سوره یوسف، غرض این سوره بیان ولایتی است که خداوند نسبت به بنده اش دارد، البته بنده ای که ایمان خود را خالص و دل از محبت او را پر کرده و دیگر جز به سوی او به هیچ جهت دیگری توجه نداشته باشد، آری چنین بنده ای را خداوند خودش عهده دار آموزش شده، او را به بهترین وجه تربیت می کند و راه نزدیک شدنش را هموار و از جام محبت سرشارش می سازد، آنچنان که او را برای خود خالص می گرداند و به زندگی الهی خود زنده اش می کند، هر چند اسباب ظاهری همه در هلاکتش دست به دست هم داده باشند، او را بزرگ می کند، هر چند حوادث او را خوار بخواهند، عزیزش می کند، هر چند ناملازمات روزگار را به سوی ذلت بکشانند و قدر و منزلتش را منحط سازد.

خداوند این هدف را در خلال بیان داستان یوسف تأمین کرده و در هیچ سوره‌ای از قرآن کریم هیچ داستانی مانند داستان یوسف به طور مفصل و از آغاز تا پایان نیامده، و این سوره‌ای خالص برای یوسف علیه السلام است (همان: ۷۳/۱۱).

شایان ذکر است که مفسران متأخر به این حقیقت پی برده‌اند و در پی آن هستند تا به اهداف ویژه هر سوره دست یابند و تا حدودی نیز پیشرفت کرده‌اند، از جمله علامه طباطبایی و سیدقطب که در مقدمه تفسیر هر سوره طبق برداشت خود، هدف آن را به اختصار توضیح می‌دهد. یکی از شاگردان وی به نام «عبدالله محمود شماته» کتابی به نام «اهداف کلی سوره و مقاصدها» تألیف نموده و سعی بر آن داشته که اهداف هر سوره را مشخص نماید که تا اندازه‌ای هم موفق گردیده است. او از سوره بقره آغاز کرده و تا سوره جاثیه ادامه داد و مجموعاً در ۴۵ سوره این هدف را دنبال کرده است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۴۰۶).

از این‌رو استاد محمد عبدالله دزّاز می‌نویسد: «از همین جا نتیجه می‌گیریم که قرآن با وجود آنکه به مقتضای مناسبت‌های خاص و در زمان‌های متفاوت نازل شده، در عین حال وحدت منطقی و ادبی خود را حفظ کرده و این بزرگ‌ترین شاهد بر اعجاز قرآن است» (دزّاز، المدخل الی القرآن الکریم، ۱۱۵۷: ۶-۵). از همین جهت است که متاخران در این باره تأکید دارند که هر سوره دارای یک جامعیت واحدی است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد و نخستین وظیفه مفسر، پیش از ورود به تفسیر آیات، کشف آن وحدت جامع حاکم بر سوره است تا به خوبی بتواند به مقاصد سوره دست یابد. علامه طباطبایی بر این نکته اصرار دارد که هر سوره صرفاً مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بدون جامع واحدی نیست؛ بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. مسئله «وحدت موضوعی» یا «وحدت سیاق» در هر سوره که از قرائن کلامیه به‌شمار می‌رود، از همین جا نشأت گرفته است. علامه می‌نویسد:

«انّ لكل طائفة من هذه الطوائف من كلامه تعالى - آلتی فصلها قطعاً قطعاً و سمی كل قطعة سورة - نوعاً منوحدة التالیف و الائتنام لایوجد بین ابعاض من سورة، و لا بین سورة سورة، و من هنا نعلم أنّ الاغراض و المقاصد المحصلة من السور مختلفة، و أنّ كلّ واحدة منها مسوقة لبیان معنا خاصّ و لغرض محصّ لانتهم السورة الا بتمامه؛ اینکه خداوند هر دسته از آیاتی را جدا از دسته دیگر قرار داده و نام سوره بر هر یک نهاده، شاهد بر این است که یک گونه انسجام و پیوستگی در هر مجموعه وجود دارد که در قسمتی از یک مجموعه و یا میان هر سوره و سوره دیگر، آن پیوستگی خاصّ وجود ندارد. از این‌رو در می‌یابیم که اهداف و مقاصد مورد نظر در هر سوره با سوره‌های دیگر تفاوت دارد، هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاصی عرضه شده که پایان نمی‌یابد، مگر با پایان یافتن آن هدف و رسیدن به آن مقصد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۱: ۱۶/۱).



## نتیجه گیری

یک. هر سوره هدف واحد و مشخصی را دنبال می کند و آیات آن در نظم منطقی و ارگانیک به غرض سوره مرتبط هستند.

دو. پراکندگی ظاهری آیات یک سوره، در قرآن اخیراً دستاویزی برای بهانه جویی های خاورشناسان فراهم آورده که قرآن را کتابی آشفته و بی نظم معرفی کنند.

سه. ریچارد بل بر این باور است که متن قرآن منقطع و از هم گسسته است. و گلتسپیر قرآن را بیش از هر کتاب مقدس دیگری دارای اضطراب می داند و بلاشر نیز قرآن را به لحاظ ادبی، نثری خشک و ملال آور معرفی کرده است.

چهار. مستشرقان، قرآن را با کتب و آثار بشری مقایسه کرده و انتظار دارند که این کتاب و حیانی و آسمانی نیز واجد ویژگی های کتب تاریخی و نگارشی باشد و حال آنکه قرآن کریم بر حسب مقتضیات و شرایط مختلف زمانی و مکانی در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است و هدف اصلی آن تعلیم و تربیت بشر در راستای هدایت الهی بوده است.

پنج. علامه طباطبایی ﷺ برای اثبات انسجام و به هم پیوستگی آیات در هر سوره، شاخصه ها و معیارهای مهم و دقیقی ارائه داده است که مجموع آن ها موجب ابطال دیدگاه مستشرقان در ادعای بی نظمی و از هم گسستگی آیات است.

شش. مهم ترین معیارهای به هم پیوستگی و ارتباط معنایی آیات قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ﷺ عبارت است از:

۱- داشتن غرض و هدف واحد (حاکمیت هدفی واحد در آیات هر سوره)؛

۲- وجود ترکیب و نوع جمله بندی ها؛

۳- کاربرد واو عاطفه و فاء تفریع؛

۴- مناسبت میان صدر و ذیل آیه از طریق بیان یک سنت الهی؛

۵- تلخیص مطالب در پایان فرازی از آیات؛

۶- مقابله میان آغاز و پایان سوره؛

۷- استفاده از سیاق آیات.

هفت. توجه دقیق و مطالعه عمیق معیارهای یادشده می تواند شبهه خاورشناسان در زمینه بی نظمی و پراکندگی آیات قرآن را نقض و باطل سازد. البته بررسی آثار علوم قرآنی و تفسیری استاد معرفت ﷺ و سیدقطب و رشیدرضا و ... نیز در این مسئله بسیار رهگشا و روشنگر است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، قم: ۱۳۸۲.
۳. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۵.
۴. خامه‌گر، محمد، «نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۵. —، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، موسسه انتشارات امیرکبیر: تهران: ۱۳۸۲.
۶. دراز، محمد عبدالله، المدخل الی القرآن الکریم، دارالقلم، الکویت: ۱۹۵۷.
۷. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۵.
۸. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، امیرکبیر، تهران: ۱۴۲۱ ق.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی، بیروت: ۱۴۲۱.
۱۰. عبدالرئوف، حسین، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی»، ترجمه: ابوالفضل حرّی، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴، ۱۳۹۰.
۱۱. القطان، مناع، مباحث فی علوم القرآن، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۲۱ ق.
۱۲. گلتسیهر، ایکناس، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، انتشارات ققنوس، تهران: ۱۳۸۳.
۱۳. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، موسسه التمهید، قم: ۱۳۷۸.



## Resources

1. . *The Holy Quran*, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa Publications, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 2009.
2. Abdul Raouf, Hossein, “*Expansion of the Text and Methods of Presenting Content in the Quranic Discourse*”, Translation: Abulfazl Hurri, Quranic Research Quarterly, No. 4, 2011.
3. Al-Qatan, Manna’, *Discussions on the Sciences of the Quran*, Al-Risalah Institute, Beirut: 1421 AH.
4. Bell, Richard, *An Introduction to the History of the Quran*, Translated by Bahauddin Khorramshahi, Center for the Translation of the Holy Quran into Foreign Languages, Qom: 2003.
5. Darraz, Muhammad Abdullah, *Al-Madkhil ila al-Quran al-Karim (An Introduction to Holy Quran)*, Dar al-Qalam, Kuwait: 1957.
6. Goldziher, Ignaz, *Tafsir Tendencies among Muslims*, Translated by Nasir Tabatabai, Qaqnoos Publications, Tehran: 2004.
7. Khamegar, Muhammad, “*Criticism and Review of the Theory of Text Expansion in the Analysis of the Textual Coherence of the Quranic Surahs*,” Quarterly Journal of Literary Studies of Islamic Texts, No. 2, 2018.
8. Khamegar, Muhammad, *Geometric Structure of the Surahs of the Quran*, Amir Kabir Publications Institute: Tehran: 2003.
9. Ma’rifat, Muhammad Hadi, *Quranic Sciences*, Al-Tamhid Institute, Qom: 1999.
10. Régis Régis, *On the Threshold of the Quran*, Translated by: Mahmoud Ramyar, Islamic Culture Publishing House, Tehran: 1996.



11. Suyuti, Jalaluddin, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran)*, Amir Kabir, Tehran: 1421 AH.
12. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Al-A'lami Institute, Beirut: 1421.
13. Zamani, Muhammad Hassan, *Orientalists and the Quran*, Bustan Kitab, Qom: 2006.